



موضوع حق‌الناس که از سوی مقام معظم رهبری در انتخابات سال ۹۲ مطرح شد به اذعان همه فعالان سیاسی تاثیر بسیار مثبت و مهمی در حضور مردم پای صندوق‌های رای داشت؛ تعبیر و تفسیر شورای نگهبان از حق‌الناس بودن رای مردم چیست؟ این موضوع چه ابعادی را در برمی‌گیرد؟

تاکید بر حق‌الناس بودن آرای مردم برای شورای نگهبان به تأکید بر اجرای صحیح و بی‌طرفانه همه قوانین و مقررات انتخابات برمی‌گردد. قوانین انتخابات در برگیرنده تمام ساز و کارهای مربوط به رعایت حقوق رای‌دهندگان و انتخاب‌شوندگان است و چه‌انتخاب‌شوندگان و چه‌انتخاب‌کنندگان از این قوانین انتخاباتی بیان شده حقوقشان در قوانین انتخاباتی بیان شده است. شورای نگهبان به‌عنوان دستگاه نظارتی اجرای انتخابات قصد دارد به بهترین نحو این مطالبه و درخواست مقام معظم رهبری را در قالب حراست از اجرای دقیق قانون عملی کند.

از جمله حقوق مردم که بر گردن شورای نگهبان قرار دارد این است که نامزدهایی با سلیقه آنان در انتخابات شرکت داشته باشند؛ به عبارت دیگر یکی از حقوق مردم این است که سلیقه‌های مختلف سیاسی در معرض انتخاب آنان باشند. شورای نگهبان در بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات چگونه حق‌الناس را رعایت خواهد کرد؟

اینکه چگونه حقوق انتخاب‌شوندگان رعایت شود به عملکرد شورای نگهبان در اجرای قوانین انتخابات بازمی‌گردد؛ یعنی اینکه شرایط مربوط به داوطلبان، ثبت‌نام و احراز شرایط و بررسی صلاحیت‌ها چقدر منطبق بر قانون خواهد بود. به نظر می‌رسد اگر ما معیارها را در محدوده قانون انتخابات و شرایط و موانع قانونی داوطلبان ببینیم این حقوق به خوبی رعایت می‌شود. شرایط انتخاب‌شوندگان و صلاحیت آنان را قانون مشخص کرده است و مکانیسم احراز آن هم در شورای نگهبان و مراجع قبل از آن تعریف شده است، چنانچه هر کدام از این نهادها به درستی وظایف خود را انجام دهند حقوق‌الناس ادا شده است. به نظر می‌رسد در گذشته این امکان که سلیقه‌های مختلف سیاسی حضور داشته باشند و در نتیجه احترام به حقوق مردم تضمین شود فراهم شده است. گردش قدرت سیاسی در مجلس و در ریاست‌جمهوری و دست‌به‌دست شدن آن بین سلیقه‌های مختلف طی این سال‌ها همه حکایت از این دارد امکان اینکه سلیقه‌های مختلف برنده انتخابات شوند وجود دارد. ممکن است از ما بپرسند دلیل این ادعا چیست. روشن‌ترین دلیل، وقوع آن است. ما دولت‌های چپ داشتیم، دولت‌های راست داشتیم، مجلس با اکثریت چپ داشتیم، مجلس با اکثریت راست داشتیم، پس در این سال‌ها دست‌به‌دست شدن قدرت اتفاق افتاده است؛ گرچه ممکن است مشکلاتی پیش آمده باشد اما در مجموع برای کشوری که سی‌وچند سال از اجرای قانون اساسی‌اش می‌گذرد تجربه بسیار موفق است.

شما مدعی هستید در همه انتخابات همیشه سلیقه‌های مختلف سیاسی در معرض انتخاب مردم بوده‌اند، و مجالس و دولت‌های مختلف را وجود این ادعا آورده‌اید. اما بحث اینجاست که وقتی مجلس با دولتی با نگاه سیاسی‌ای تمام می‌شود برای دور بعدی بررسی صلاحیت‌ها، محدودیت‌ها ایجاد می‌شود.

بروز به ظهور افکار دو حالت دارد. زمانی شما به‌عنوان شخصی که سکن هادیت دستگاه اجرایی دست شما نبوده ماضی‌ای را در خطابه‌ها اعلام کرده‌اید ولی زمینه ظهور عملی آن را پیدا نکرده‌اید ممکن است به اتکای همین مواضع صلاحیت شما احراز شود و بنا موانعی می‌واجه نشود. حالت دوم این است

که در چهار سال دوره مجلس یا هشت سال دوره ریاست‌جمهوری که مدت کمی هم نیست مجموع‌ای از اقدامات از شما سر می‌زند که دآوری در مورد شما دیگر از آن پیچیدگی قبلی برخوردار نیست؛ چراکه شما توانست‌اید میزان قانون‌مداری و التزام به قانون را در عمل نشان دهید. برای مثال نحوه تعامل شما با بیت‌المال و ویدایعی که به سبب مسئولیت در اختیار شما قرار گرفته است نشانه بارز التزام به شرع و

سخنان آیت‌الله هاشمی را تحلیل نمی‌کنم

سخنگوی شورای نگهبان درباره اظهارات اخیر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که مسائلی را متوجه فرایند برگزاری انتخابات از سوی شورای نگهبان کرده بود، گفت: «من در مورد رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام که منصوب رهبری هستند یا فرد خاصی صحبت نمی‌کنم.» ابراهیمیان همچنین درباره استفاده از صندوق شیشه‌ای در امر برگزاری انتخابات تأکید کرد که همه اعضا از این صندوق حمایت می‌کنند اما در جلسه‌ای که با وزیر کشور داشتیم ایشان مشکل قانونی مبنی‌بر امکان دیده شدن آرا را مطرح کردند. وی خبر داد: «وزیر کشور به شورای نگهبان قول داده است که صندوقی را طراحی کنند که هم شفاف باشد و هم امکان خوانده شدن آرا از بیرون آن وجود نداشته باشد.»

قانون خواهد بود. بنابراین اینکه بعد از یک دولتی اشخاصی که در آن دولت بودند به خاطر اینکه بروز و ظهور افکار آنان به نحو روشن‌تری در ویت‌ترین دوری قرار دارد با برخوردی متفاوت از سوی شورای نگهبان مواجه شوند یا دربارہ برخی از آنان داوری‌های قبلی تغییر کند، یک امر طبیعی است، طبیعی است قرار گرفتن در آزمون موقعیت‌های اجرایی یا تقنینی داوری را آسان‌تر و شاید آن را دستخوش تغییر کند. ممکن است شما مثال‌هایی بزنید که من اطلاعی از آنها نداشته باشم و ممکن است برای افرادی هم ناخواسته داوری و قضاوت اشتباه شده باشد که باید اشتباهات را هم پذیرفت اما در مجموع باید تأکید کنم کسانی که فرصت پیدا می‌کنند خود را در دنیای سیاست نشان دهند باید عواقب از داوری‌های دقیق‌تر در مورد رفتارهای آشکار و عیان خود براساس داده‌های جدید، پذیرا باشند.

برخی از شرایطی که قانون برای احراز صلاحیت‌ها در نظر گرفته است به راحتی و بدون شبیهه قابل تشخیص است مانند مدرک تحصیلی و سن و سال. اما برای احراز برخی شرایط مانند التزام عملی به اسلام و ولایت‌فقیه سلیقه شخصی داوران می‌تواند دخالت داشته باشد. همچنین این نگرانی که ممکن است با افراد به صورت جریانی برخورد شود وجود دارد؛ الان دو گروه نسبت به این موضوع اظهار نگرانی می‌کنند یک طیف اصلاح‌طلبان و طیف منتسب به آقای احمدی‌نژاد که نگران جریانی برخورد کردن شورای نگهبان هستند؛ شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها نگاهش به افراد نگاه فردی است یا جریانی؟

توجه به قوانین انتخاباتی تا حدی می‌تواند جواب این سوال را آشکار سازد. گاهی اوقات ممکن است جریان سیاسی یا حزبی غیرقانونی اعلام شود که در این صورت طرفداران یعنی کسانی که هنوز از آن حزب طرفداری می‌کنند از حضور در انتخابات ممنوع هستند. در همین موارد نیز اصولاً پرونده یک شخص را بررسی می‌کنیم تا ببینیم که این فرد در زندگی خود التزام به شرع و قانون اساسی را نشان داده است یا نه. بخشی از زندگی سیاسی یک فرد که معرف اوست تعلقات او به گروه‌ها و جریان‌های سیاسی است؛ بنابراین نقش و جایگاه یک فرد در گروه یا حزب سیاسی بسیار مهم است. اما صرف مازکی که گروه‌ها به هم می‌زنند این کافی نیست که ما در مورد شخص داوری کنیم. اگر یک گروه سیاسی رفتار هنجارشکنانه داشت و فردی منتسب به این گروه بود، اما درون گروه دعوت به قانون‌گرایی کرده و با افراط‌گرایی مخالفت می‌کرد، شورای نگهبان او را به خاطر اینکه عضو آن گروه بوده ردصلاحیت نمی‌کند. همچنین ممکن است گروهی خوشنام باشد اما افرادی درون آنها باشند که از حدود قوانین و شرع تجاوز کرده‌اند بنابراین حسنات گروه به پای فردی که رفتار خلاف قانون و خلاف شرع داشته است نوشته نمی‌شود. عنوان‌های اصولگرایی و اصلاح‌طلبی و سلاطی که درون نظام تعریف می‌شوند به خودی خود برای ردصلاحیت یا پذیرش صلاحیت کافی نیستند. اگر فردی جزء گروه‌های درون نظام بود نوبت به این می‌رسد که شخصا پروندہ‌اش مورد بررسی قرار گیرد. اگر بخشی از این گروه‌ها در مقاطعی رفتارهای هنجارشکنانه داشتند و برای انسجام ملی ارزش قائل نشدند باید ببینیم چه افرادی در ایجاد این رفتارهای هنجارشکنانه نقش داشته‌اند.

در درون گروه دعوت به قانون‌گرایی کرده و با افراط‌گرایی مخالفت می‌کرد، شورای نگهبان او را به خاطر اینکه عضو آن گروه بوده ردصلاحیت نمی‌کند. همچنین ممکن است گروهی خوشنام باشد اما افرادی درون آنها باشند که از حدود قوانین و شرع تجاوز کرده‌اند بنابراین حسنات گروه به پای فردی که رفتار خلاف قانون و خلاف شرع داشته است نوشته نمی‌شود. عنوان‌های اصولگرایی و اصلاح‌طلبی و سلاطی که درون نظام تعریف می‌شوند به خودی خود برای ردصلاحیت یا پذیرش صلاحیت کافی نیستند. اگر فردی جزء گروه‌های درون نظام بود نوبت به این می‌رسد که شخصا پروندہ‌اش مورد بررسی قرار گیرد. اگر بخشی از این گروه‌ها در مقاطعی رفتارهای هنجارشکنانه داشتند و برای انسجام ملی ارزش قائل نشدند باید ببینیم چه افرادی در ایجاد این رفتارهای هنجارشکنانه نقش داشته‌اند.

تعریف شورای نگهبان درباره حوادث سال ۸۸ و ادیبانی که بعد از آن وارد سیاست کشور شد، چیست؟
در جریان سال ۸۸ در مقاطعی رفتارهای عادی و طبیعی از مردم سر زد؛ ثبت‌نام، حمایت از نامزدها و حتی به گفته مقام معظم رهبری مقاطعی از اعتراض‌ها هم حق سیاسی داوطلبان بود اما از یک مقطعی به بعد دشمنان طمع کردند و



سخنگوی شورای نگهبان در گفت و گو با فرهیختگان:

اعتراض‌های قانونی مانع احراز صلاحیت نیست

زینب نورانیان

z.noranian@fdn.ir

صلاحیت داوطلبان در چارچوب قانون این مطالبه مقام معظم رهبری را به نحو احسن اجرا خواهد کرد. او در بخشی از این گفت‌وگو مقاطعی از اعتراض‌ها در سال ۸۸ را حق سیاسی داوطلبان دانست و در تعریف شورای نگهبان از «فتنه» تأکید کرد اعتراض‌هایی که متضمن رفتارهای مجرمانه نباشد «فتنه» تلقی نمی‌شود. ابراهیمیان حتی اظهار کرد که اعتراض‌های قانونی در سال ۸۸ مانع از احراز صلاحیت نخواهد بود.

توطئه فراگیر شد. در سال ۸۸ از یک مقطعی به بعد شاهد بی‌تفاوتی نسبت به امنیت کشور بودیم. توقع این است اجرای قانون درباره کسانی که از آن مقطع به بعد با پافشاری بی‌جهت بر برخی از خواسته‌ها (به جای پیگیری آن از مجاری قانون) امنیت کشور را نادیده گرفتند بدون اغماض صورت گیرد. آنچه از اقدامات سال ۸۸ به‌عنوان خط قرمز و محدودیت برای ورود در عرصه انتخابات تلقی می‌شود امری نو و چیزی جدا از قوانین انتخاباتی نیست؛ البته این برداشت من است و آن را به شورای نگهبان منسوب نمی‌کنم. آنچه رهبر معظم انقلاب در مورد هشدار درباره زیاده‌روی و رفتارهای افراطی دادند مصداق شروط و موانع مذکور در قوانین انتخاباتی ماست. در آن مقطع برخی اعتراضات از مرحله اعتراضات سیاسی گذشت و رفتارهای افراطی و ساختارشکنانه شکل گرفت. به نظر می‌رسد در چنین مقطعی قانون اساسی و پایه‌های آن نزد برخی از سیاست‌ورزان خود را از دست داده بود و التزام خود به قانون اساسی را به خوبی نشان ندادند. کسی که در این آزمون رفوزه شده باید در رفتارهایش تفکر کند. راه توبه باز است و راه اصلاح رفتارهای سیاسی باز است اما خیلی متوقعانه است که برخی افراد که نشان دادند به فکر سرنوشت مملکت نبودند انتظار داشته باشند به‌زودی به عرصه سیاسی بازگردند. در جمع‌بندی باید بگویم در این مورد باید ششاهد یک بحث جدی راجع به هر فرد در شورای نگهبان باشیم، شور کنیم، سابقه فرد را بررسی کنیم و بعد رای‌گیری کنیم. از الان نمی‌توان با این عنوان‌ها که فلاتی انحرافی است، فلاتی اصلاح‌طلب تند یا اصولگرای افراطی است، داوری کرد.

به قانون اساسی را به خوبی نشان ندادند. کسی که در این آزمون رفوزه شده باید در رفتارهایش تفکر کند. راه توبه باز است و راه اصلاح رفتارهای سیاسی باز است اما خیلی متوقعانه است که برخی افراد که نشان دادند به فکر سرنوشت مملکت نبودند انتظار داشته باشند به‌زودی به عرصه سیاسی بازگردند. در جمع‌بندی باید بگویم در این مورد باید ششاهد یک بحث جدی راجع به هر فرد در شورای نگهبان باشیم، شور کنیم، سابقه فرد را بررسی کنیم و بعد رای‌گیری کنیم. از الان نمی‌توان با این عنوان‌ها که فلاتی انحرافی است، فلاتی اصلاح‌طلب تند یا اصولگرای افراطی است، داوری کرد.

شما در صحبت‌های خود تأکید کردید که در سال ۸۸ تا جایی اعتراض‌ها قابل قبول و قانونی بود.
این را من نگفتم اینجا را مقام معظم رهبری فرمودند. تا قبل از نمازجمعه مقام معظم رهبری اعتراض‌هایی که متضمن رفتارهای مجرمانه مثل تخریب و توهین و... نبود علی‌القاعده مصداق فتنه تلقی نمی‌شد.

بسیاری از افراد به خاطر همین اعتراضات که مقام معظم رهبری هم آنها را قانونی خواندند برچسب خوردند و متهم شناخته شده‌اند؛ البته بدون اینکه محاکمه شوند. مثال دولت افرادی را برای معرفی کرد مختلف وزارت به مجلس دسترسی کرد اما مجلس به خاطر اعتراض‌های قانونی که این افراد داشتند به آنها رای اعتماد نداد؛ آیا شورای نگهبان هم در بررسی صلاحیت‌ها نگاهش به این افراد مانند



روژ تا انتخابات مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری باقی مانده است که به سراغ تجات‌الله ابراهیمیان، سخنگوی شورای نگهبان رفتیم. او که تاکنون تجربه بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی در شورای نگهبان را نداشته، قرار است تا چند ماه دیگر برای اولین بار در این راه پر سروسا، کسب تجربه کند. مصاحبه با ابراهیمیان را درباره تأکید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر حق‌الناس بودن رای مردم آغاز کردیم و از او خواستیم توضیح دهد شورای نگهبان چگونه می‌خواهد این مهم را رعایت کند که او گفت این شورا با بررسی سیاسی خود را کنار بگذاردند و به‌عنوان یک داور بی‌طرف بدون لحاظ این سلاطی عمل کنند.

نگاه مجلس است و سختگیری مانند نمایندگان مجلس نهم دارد؟
تصویر روشنی از واژه سختگیری ندارم. اگر مراد از سختگیری رفتار فردی است که قانون را بدون سامعه اجرا می‌کند، او قانونمدار است نه چیز دیگر. اما اگر مراد، حرکت جلوتر از قانون است انتظار از شورای نگهبان این است که در حدود قانون رفتار کند. شورای نگهبان جلوتر از قانون نمی‌رود. اما اینکه من تأکید کردم تا فلا ن تاریخ اعتراض‌ها قانونی بود، یک معیار کلی است. فرق است بین کسی که تا قبل از این تاریخ در جلسات غیررسمی طراحی بلوا و شورش کرده است با کسی که از روی حسن‌نیت و براساس اعمال آزادی‌های مشروعی که قانون اساسی برای او تعیین کرده اعتراضی کرده است. به همین دلیل است که ما می‌گوییم هر فردی یک پرونده دارد که ویژگی‌های زندگی سیاسی او را نشان می‌دهد و ما باید به آن پرونده نگاه کنیم. یک مقدار ضابطه کلی دادن و اینکه بگویم تا تاریخ ۲۹ خرداد همه خونند و بعد از آن همه رد هستند، ساده‌سازی مساله است. در واقع باید رفتارهای افراد بررسی شود. قبلا هم از من پرسیدند آیا همکاری در ستادهای انتخاباتی از موانع ردصلاحیت است؟ که گفتم به خودی خود خیر. چون همه نامزدهای سال ۸۸ از سوی شورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند و مردم هم با حضور در ستادهای انتخاباتی و طرفداری از یک نامزد، حقوق خود را اعمال کردند. اما ممکن است همان افراد که در ستادهای انتخاباتی بودند بعدا تشویق به آتش زدن بانک و مسجد و ایجاد ضرب و شتم کرده باشند. کسانی که رفتارهای قانون‌مدارانه داشتند و اعتراض‌های خود را در قالب قانونی و منطقی بیان و پافشاری در حمایت از نامزدهای خود کردند این موضوع به خودی خود مانع احراز صلاحیت نخواهد بود. اما از رفتارهای مجرمانه نمی‌توان به سادگی چشم پوشید.

هیچ کس مدافع این نیست کسی که مردم را به آشوب دعوت می‌کند یا سطل آشغال آتش زده، تأیید صلاحیت شود. و قانونی بود.
برایت من نگفتم اینجا را مقام معظم رهبری فرمودند. تا قبل از نمازجمعه مقام معظم رهبری اعتراض‌هایی که متضمن رفتارهای مجرمانه مثل تخریب و توهین و... نبود علی‌القاعده مصداق فتنه تلقی نمی‌شد.

هیچ کس مدافع این نیست کسی که مردم را به آشوب دعوت می‌کند یا سطل آشغال آتش زده، تأیید صلاحیت شود. و قانونی بود.
برایت من نگفتم اینجا را مقام معظم رهبری فرمودند. تا قبل از نمازجمعه مقام معظم رهبری اعتراض‌هایی که متضمن رفتارهای مجرمانه مثل تخریب و توهین و... نبود علی‌القاعده مصداق فتنه تلقی نمی‌شد.

بسیاری از افراد به خاطر همین اعتراضات که مقام معظم رهبری هم آنها را قانونی خواندند برچسب خوردند و متهم شناخته شده‌اند؛ البته بدون اینکه محاکمه شوند. مثال دولت افرادی را برای معرفی کرد مختلف وزارت به مجلس دسترسی کرد اما مجلس به خاطر اعتراض‌های قانونی که این افراد داشتند به آنها رای اعتماد نداد؛ آیا شورای نگهبان هم در بررسی صلاحیت‌ها نگاهش به این گروه را یک

ملک احراز صلاحیت‌ها، سلیقه شخصی اعضای شورای نگهبان نیست و قانون هم این را نمی‌گوید. هر عضو شورای نگهبان چون تبعه جمهوری اسلامی است وظیفه دارد در انتخابات شرکت کند و به نامزدی رای دهد و ممکن است به یک گروه و حزبی هم علاقه داشته باشد. اما آنچه معیار احراز صلاحیت می‌شود قانونا برای یک داور عادل، سلیقه سیاسی

شورای نگهبان به یک مورد محدود نمی‌شود و بارها مطرح شده است. وقتی کسی داور است موضع‌گیری‌های پررنگ سیاسی از سوی او پذیرفتنی نیست و این شیوه، شیوه اطمینان‌آوری برای مردم نخواهد بود.

من قبلا گفتم هرچه انتخاب‌های سیاسی اعضای شورای نگهبان ظهور و بروز کمتری پیدا کند اعتماد عمومی به بی‌طرفی ما بیشتر خواهد شد.

شورای نگهبان بر التزام نامزدها به ولایت‌فقیه اهمیت بالایی می‌دهد و این یکی از خط قرمزها برای کسانی است که در انتخابات ثبت‌نام می‌کنند. اما در مقطع فعلی مجلس می‌بینیم برخی نمایندگان اظهاراتی را به مقام معظم رهبری نسبت می‌دهند که از سوی ایشان تکذیب می‌شود. این موضوع می‌تواند مانعی بر سر راه تأیید صلاحیت مجدد این طیف از نمایندگان باشد؟

التزام به ولایت فقیه را قانون انتخابات مصوب نمایندگان ملت، برجسته و متمایز از سایر شرایط قید کرده و شورای نگهبان نیز مجری قانون است. شما وقتی نظر شورای نگهبان را می‌پرسید این باید مورد شور قرار گیرد تا بتوان نظر اکثریت را بیان کرد. در این مورد باید منتظر ماند تا موعد بررسی صلاحیت‌ها فرا رسد. اما قاعده حقوقی درباره نمایندگان مجلس وجود دارد که آنها در اظهارنظر آزادند. وقتی نمایندگان در مقام ایفای وظیفه نمایندگی هستند می‌توانند آرازانه اظهارنظر کنند و اینها را نباید مبنای ردصلاحیت قلمداد کرد. اما اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری را مقامات نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد. اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد. با همه این موارد هر یک از این انتسابات باید ثابت شود.

یکی از دغدغه‌های دولت یازدهم شفاف برگزار کردن انتخابات است؛ رئیس‌جمهوری برای این منظور شیشه‌ای یا شفاف شدن صندوق‌های رای را پیشنهاد دادند. هرچند گام اول در شفاف شدن صندوق‌ها تدوین قانون جامع و کامل انتخاباتی است، اما اقداماتی چون پیشنهاد رئیس‌جمهوری برای شفاف شدن صندوق‌های رای می‌توانند در افزایش اعتماد عمومی بسیار موثر باشد. اما اخیرا دبیر شورای نگهبان این شیوه را اجرا نشدنی عنوان کردند و در توجیه دلیل مخالفت هم گفتند آرای مردم باید محرمانه بماند، صندوق‌های رای شیشه‌ای دارد، می‌توان تمهیدی اندیشید که هم صندوق‌ها شیشه‌ای باشد و هم رای مردم مخفی‌بماند.

شورای نگهبان به موضوع شفافیت انتخابات بسیار حساس است و از همه پیشنهادهای دولت و وزارت کشور در این باره استقبال کرده است. حتی بنده به مفهومی دقیق‌تر از شفافیت از طریق اصلاح قوانین انتخاباتی اشاره و تأکید داشتم. به دنبال طرح این نظرات ما از وزیر محترم کشور دعوت کردیم و ایشان جلسه مشترک با اعضای شورای نگهبان حاضر شدند و این موضوع به داخل صندوق‌های رای مشخص شود مطرح شد و همه هم معتقد بودند که این مطلوب است. اما قانون اساسی یک قید دارد که رای باید محرمانه باشد. این را وزیر کشور قول دادند که تمهیدی اندیشیده شود که صندوق‌ها به نحوی شفاف باشد که در عین حال به داخلش مشخص است نوشته‌ها خوانده نشود. چیزی که از دبیر شورای نگهبان نقل شده است احتمالا یا سوءبرداشت از فرمایش ایشان است

بودیم یا باید مراقبت کنیم که افراد فاقد صلاحیت وارد نشوند. اما اینکه مردودان و مقبولان از چه جناحی باشند شورای نگهبان نه در این زمینه جلسه‌ای داشته و نه بحثی کرده است و نه بنای ما چنین است. شورای نگهبان در زمان خودش با بررسی پرونده هر فرد اظهارنظر خواهد کرد. نظر دبیر محترم شورا نیز بر همین معنا قابل حمل است.

اما بیان این ابراز نگرانی از سوی دبیر

شورای نگهبان را رئیس قوه قضائیه به مجلس معرفی می‌کند و مجلس یک اکثریتی و رئیس قوه قضائیه، یک منش و رفتار و انتخاب سیاسی دارد و باید به او حق داد که طبق سلیقه خود افراد را معرفی کند. قانون اساسی پیشنهاد حقوق‌دانان را به عهده رئیس قوه قضائیه گذاشته و رای به آنان را بر مجلس واگذار کرده است. از نظر قانونی اختیارات هیچ کدام از اینها را نمی‌توان محدود کرد و به آنان گفت شما متنوع انتخاب کنید. درباره فقها هم که رهبری آنان را انتخاب می‌کنند باید پذیرفت تناسبات پی‌در‌پیم آنان را نقدر پررنگ سیاسی متفاوت است و بخش کوچکی از زندگی آنان فعالیت سیاسی است و اصولا ورای تقسیمات معمولی سیاسی با تربیت اخلاقی و دینی خاص خود می‌اندیشند. اینکه انتخاب سیاسی آنان را نقدر پررنگ کنیم که مانع داوری عادلانه آنها شود، واقعا دوزخ‌شان آنهاست. بنابراین بدون اینکه لزوما شورای نگهبان شرکت سهمی همه سلیقه‌های سیاسی باشد داوری منصفانه در وضعیت فعلی ممکن است.

اما در مقاطعی در حیات شورای نگهبان برخی از اعضا نگرش سیاسی خود را در انتخابات برجسته کرده‌اند.

من بدون اینکه بخواهم به صحت این انتسابات پی‌در‌پیم به عنوان یک عضو شورای نگهبان با چنین روشی موافق نیستم. همه اعضای شورای نگهبان باید متأنسی را که اقتضای جایگاه و ریزه آنان است داشته باشند و انتخاب‌های سیاسی خود را به نحوی که از نامزدی طرفداری کنند و به یک نامزد دلبستگی آشکار نشان دهند به خاطر تقویت اعتماد عمومی آشکار نکنند. البته در برخی از نظاهای حقوقی شاید این امر به‌عنوان یکی از قواعد رفتار حرفه‌ای به رسمیت شناخته شده است. اما در قانون ما صریحا منعی برای این کار وجود ندارد و قانون اعضای شورای نگهبان را از تعلقی به احزاب منع نمی‌کند. ولی من برداشتم از نقش شورای نگهبان این است تا جایی که ممکن است باید راهی را که مقام معظم رهبری در موقع رای دادن در پیش می‌گیرند، برگزینند. مقام معظم رهبری می‌فرماید یک رای دارند و کسی هم از آن خبردار نیست. ما هم باید برای اینکه القای اطمینان کنیم چنین روشی داشته باشیم. اگر هم از قبل در جناحی فعالیت می‌کردیم باید این فعالیت را تعطیل یا آن را محدود کنیم. بنابراین اگر کسی بگوید طرفداری آشکار از لیست شورای نگهبان اتفاق بیفتد من با او موافقم.

اخیرا آقای جنتی نسبت به حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس خبرگان ابراز نگرانی کرده‌است؛ نگرانی‌ای که اصولگرایان هم آن را بیان می‌کنند. وقتی این نگرانی از سوی اصولگرایان بیان شود جای پرداختن به آن نیست، اما وقتی دبیر شورای نگهبان مطرح می‌کنند شائبه خط و نشان کشیدن داور انتخابات برای یک گروه مطرح می‌شود.

صرف نظر از اینکه اساسا ابراز نگرانی ایشان متوجه جناح خاصی نبوده، مواضع شورای نگهبان توسط سخنگو اعلام می‌شود. با توجه به اینکه برخی اعضای شورای نگهبان نقش‌های متفاوتی دارند به اعتبار آن نقش‌ها، مثلا امام‌جمعه بودن و مدرس بودن، مواضعی اتخاذ می‌کنند که آنها مواضع شورای نگهبان تلقی نمی‌شود.

اگر قرار بر نگرانی باشد شورای نگهبان باید نگران افرادی باشد که شرایط قانونی شرکت در انتخابات را ندارند و خود را به نظام انتخاباتی تحمیل می‌کنند. ما نگران این هستیم و همیشه بودیم و باید مراقبت کنیم که افراد فاقد صلاحیت وارد نشوند. اما اینکه مردودان و مقبولان از چه جناحی باشند شورای نگهبان نه در این زمینه جلسه‌ای داشته و نه بحثی کرده است و نه بنای ما چنین است. شورای نگهبان در زمان خودش با بررسی پرونده هر فرد اظهارنظر خواهد کرد. نظر دبیر محترم شورا نیز بر همین معنا قابل حمل است.

اما بیان این ابراز نگرانی از سوی دبیر

اعضای شورای نگهبان باید متأنسی را که اقتضای جایگاه آنان است داشته باشند و برای اینکه القای اطمینان کنیم چنین روشی داشته باشیم. اگر هم از قبل در جناحی فعالیت می‌کردیم باید این فعالیت را تعطیل یا آن را محدود کنیم. بنابراین اگر کسی بگوید طرفداری آشکار از لیست شورای نگهبان اتفاق بیفتد من با او موافقم.

اعضای شورای نگهبان باید متأنسی را که اقتضای جایگاه آنان است داشته باشند و برای اینکه القای اطمینان کنیم چنین روشی داشته باشیم. اگر هم از قبل در جناحی فعالیت می‌کردیم باید این فعالیت را تعطیل یا آن را محدود کنیم. بنابراین اگر کسی بگوید طرفداری آشکار از لیست شورای نگهبان اتفاق بیفتد من با او موافقم.

اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد.

اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد.

اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد.

اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد.

اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد.

اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد.

اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد.

اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد.

اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد.

اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد.

اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد.

اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد.

اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد.

اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد.

اگر کسی قصد داشته باشد به صورت سیستماتیک موارد کذب به مقام معظم رهبری نسبت دهد باید در صلاحیت او تردید کرد.

اگر کسی دروغ‌گویی سیستماتیک داشته باشد، چه نماینده باشد چه فردی دیگر، باید در التزامش به شرع تردید کرد.